

بررسی رابطه سبک‌های مدیریت کلاسی معلمان با خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

مریم هادی

دبیر زبان انگلیسی منطقه نازلو ارومیه

چکیده

در این پژوهش رابطه سبک‌های مدیریت کلاس با خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه اول شهر ارومیه منطقه نازلو مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه مورد پژوهش شامل ۵۰ نفر از معلمان زن، ۵۰ نفر از معلمان مرد به صورت هدفمند و تصادفی انتخاب شدند. به منظور اندازه گیری از پرسش نامه سبک مدیریت کلاس و پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد و برای پیشرفت تحصیلی از نمرات دانش آموزان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است نتایج نشان داد که بین سبک مدیریت تعاملگرا و مداخله گرا معلمان و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود داشته و معلمان زن بیشتر از مردان از سبک تعامل گرا استفاده میکنند. هم چنین رابطه میان این متغیرها معکوس می باشد، بدین معنی که هرچه نمرات سبک مدیریت کلاس کاهش می یابد نمرات یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان افزایش می یابد.

واژه‌های کلیدی: سبک مدیریت دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی، مدیریت کلاس.

۱- مقدمه

پیشرفت هر جامعه ای به چگونگی کیفیت آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد. آموزش و پرورش اگر راه دموکراسی و روش علمی پیش گیرد زمینه ای ایجاد جامعه ای پیشرفته را مهیا می سازد. به منظور رسیدن به این دموکراسی، رعایت قانون و نظم و ایجاد نگرش مثبت در این زمینه و اعمال آن توسط افراد یک جامعه، به خصوص متولیان امر خیریت و تربیت، ضرورت می یابد. آموزش و پرورش علاوه بر این که در دسته بندی مشاغل در رده ی بالایی قرار دارد. از نظر پیچیدگی نیز جزو پیچیده ترین حرفه های تخصصی دسته بندی می گردد. صاحب نظران بر این باورند که نظام آموزشی مهم ترین عاملی است که بر جامعه تاثیر می گذارد، جامعه راهدایت می کند و همراه با تغییرات و تحولات در سرتاسر جهان متاثر می شود. بر این اساس ضروری است که برنامه های نظام های آموزشی به موازات این تحولات و با توجه به الزامات جامعه سازمان دهی شوند. بنابراین از رهگذر ایجاد تحول و تعالی در برنامه های درسی، نسل تحت تربیت توان مند می شود.

مدیریت همزاد با زندگی انسان و از روزهای نخست با اداره امور وی همراه بوده است. و در قرون اخیر به دلیل پیدایش سازمانهای جدید، پیچیده و ظهور تکنولوژی به طور ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است. چرا که سرعت، قدرت عمل تولید و انبوه فراوردههای انسانی و صنعتی نیاز به هماهنگ کننده ای، به نام مدیر دارد تا بتواند با برنامه ریزی درست بین امکانات و نیروهای سازمان، هماهنگی و همسویی ایجاد کند امروزه نیز مدیریت سازمان آموزشی و پرورشی یکی از با اهمیت ترین و مؤثرترین دانش زمان حاضر به شمار میرود. زیرا آموزش و پرورش توأم با مدیریتهای مطلوب و مناسب موجب تبدیل انسان به افرادی خلاق و رشد یافته میگردد و از سوی دیگر میتواند تأمین کننده احتیاجات نیروی انسانی جامعه در سطوح مختلف و در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد.

یکی از عوامل مؤثر، تجهیز معلمان به مهارتهای کارآمد مدیریتی است. مدیریت جامع کلاس، میزان اشتغال دانش آموزان را در فعالیتهای برنامه درسی را افزایش می دهد و از هدر رفتن زمان برای رفع مشکلات رفتاری جلوگیری می کند. به طور کلی یکی از عواملی که امروزه معلمان، مدیران و سیاست گذاران آموزش و پرورش به عنوان موضوعی مهم و اساسی به آن توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است که به عنوان پیچیده ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است. مدیریت عبارت از هدایت فعالیتهای افراد در جهت اهداف معین می باشد، به عبارت دیگر مدیریت به فعالیتی اطلاق می شود که توسط یک یا چند نفر برای اداره و هدایت فعالیتهای یک یا چند نفر در جهت برآوردن یک یا چند هدف معین و از پیش تعیین شده، انجام می پذیرد. عمل مدیریت مستلزم مهارت مدیر در سه جنبه انسانی، فنی و ادراکی می باشد. هیچکدام از این مهارتها نمی تواند از طریق تجارب فردی کسب شود و حتی اگر چنین شود مستلزم بصیرتی زیاد و مدت زمانی طولانی خواهد بود. مضاف بر آن هیچ کس هم نمی تواند مهارتهای فوق را به طور مادرزادی داشته باشد، در نتیجه علاوه بر خود مدیریت به عنوان یک رشته علمی، عمل مدیریت هم مستلزم مهارتهایی است که باید به روش علمی کسب شود. ولی در عین حال تجربه فردی می تواند به آن کمک نماید و به کارگیری مایه هنری نیز مثل انجام هنرمندانه هر عمل دیگر، نه فقط مدیریت - می تواند بر ظرافت و دقت آن افزوده و تأثیر آن را افزایش دهد.

انتخاب روش صحیح مدیریت کلاس درس و سازماندهی آن از علائم موفقیت معلم به شمار می آید. انتخاب هرگونه شیوه ی مدیریتی، به سبک تدریس و هدفهای معلم بستگی دارد. معلمان با بکارگیری روش مدیریت مناسب کلاس درس خود می توانند در پرورش مهارتهای اجتماعی، خلاقیت ها و توانایی های دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در کلاس خود مشاهده کنند. چگونگی اداره کلاس و روش تدریس معلم منبع مهمی برای قضاوت درباره توانایی ها و ارزشهای شغلی اوست. هدف از مدیریت کلاس این است که یک محیط مثبت و مولد داشته باشیم. وجود نظم و ترتیب در کلاس به خودی خود هدف نیست. هدف مهم دیگر در اداره ی کلاس این است که شاگردان چگونگی مدیریت رفتار خود را یاد بگیرند. تحول یافتن رفتار شاگرد از اجبار کردن آنان برای عمل به دستورات معلم تا رسیدن به خودنظم دهی و کنترل رفتار خود، یک یادگیری اساسی در مدیریت کلاس است. کمک به شکل گیری مدیریت خود و کنترل خود در شاگردان یکی از

وظایف مهم تربیتی معلم است. با دستیابی به چنین مهارتهایی است که شاگرد به کسب موفقیت درسی و ایجاد روابط صحیح با دیگران و نظم دادن به زندگی خود خواهد رسید .

در حوزه مدیریت فرایندهای آموزش، کلاس درس خط مقدم فعالیتهای آموزشی، تربیتی و جایگاهی برای آماده نمودن برای زندگی در جهان در حال تغییر است. کلاس درس محلی است که خدمات مستقیم به دانش آموزان ارائه مینماید تا آنان در ابعاد فردی و اجتماعی رشد یابند و زمینه توسعه همه جانبه آنان فراهم گردد. معلمان در کلاس مسئول کاربرد راهبردهای تدریس و یادگیری، ایجاد نظم، استفاده از منابع و مواد کمک آموزشی، زمان بندی، ایجاد جو یادگیری مطلوب و اثربخش، برقراری روابط سازنده با دانش آموزان و انجام ارزشیابی هستند. انجام این فعالیتها با سبکها و الگوهای متعدد و متنوعی انجام میگردد که هر کدام با توجه به موقعیتهای کلاس از اثر بخشیهای متفاوتی برخوردارند. بنابراین اداره کلاس درس، ایجاد نظم و تدریس که مستلزم برنامه ریزی، سازماندهی و رهبری، ایجاد انگیزش، کنترل و ارزیابی است در زمره وظایف معلمان میباشد. معلمان در کلاس درس همچون مدیرانی هستند که باید کارکردهای مدیریت را با توجه به شرایط و موقعیت کلاس انجام دهند تا تحقق اهداف آموزشی و تربیتی به صورت اثر بخش و کارآمد ممکن گردد. توجه به معلمان با رویکرد مزبور تا حدی جدید و توسعه یافته است. چرا که معلمان مدیرانی هستند که برای حفظ و کنترل کلاس درس و فعالیتهای آموزشی سبک مدیریتی خاصی را به کار میبرند. بنابراین برخورداری از مهارتهای مدیریتی یکی از تواناییهای ضروری شغل معلمی است که معمولاً کمتر به آن توجه میشود

مینو چین شاپیرو (۱۹۶۹) معتقدند که اگر معلمان دارای روحیههای گرم و انعطاف پذیر باشند و به آرامی دانش آموزان را نگهداری کنند، دانش آموزان نیز احساساتشان را بیشتر بیان نموده و به راحتی در بحثهای کلاس شرکت، و همچنین احساس استقلال میکنند (به نقل از مانسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۶۸)

در همین رابطه بیانا و کیچ (۱۹۹۵) والمو و لانیت (۱۹۷۵) معتقدند که گرمی و صمیمیت که اغلب به صورت نشان دادن علاقه و دلواپسی قایل شدن برای دانش آموزان در نظر گرفته میشود هم در یادگیری دانش آموزان و هم ارزیابی از عملکرد معلم تأثیر مثبت دارد. (وکیلیان، ۱۳۷۹) البته آن چه اهمیت دارد این است که معلمان همچون دانش آموزان از نظر شخصیت حالات، تمایلات، و وضعیت جسمانی در گروههای متفاوت شخصیتی طبقه بندی میشوند، آنها به سبب جاه طلبی، انگیزش، تندرستی، علاقه، نیاز و ویژگیهای دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. حتی معلمان از نظر بهره هوشی و دامنه آن نیز تفاوتهای قابل ملاحظه ای دارند. اشراف معلم بر موضوعات درسی، مسائل یادگیری، الگو، مهارتها، روشها، راهبردها و فنون تدریس، از عوامل عمده اثر بخشی رفتار و مدیریت کلاسی میباشد. در رفتار کلاسی و ارتباط معلم با دانش آموزان با توجه به این که مدرسه و کلاس سازمانهای اجتماعی آموزش تربیتی می باشد، از نظریه های سازمانی استفاده میگردد. کلاس درس یک سازمان اجتماعی آموزش است، سازمانهای اجتماعی، آموزشی تربیتی، بدون پیروی محض از ارتباطات رسمی در جهت پویایی پیش میروند. وجود نظم و انضباط در کلاس و یا به عبارتی مدیریت کلاسی، جهت اثر بخشی و کارایی و در نهایت بهر دوری کار یک معلم بسیار مؤثر میباشد. بنابراین لازم است در این خصوص فنون و ویژگیهای مورد نیاز مدیریت کلاس شنا سایی و تبیین گردد، تا مورد استفاده ی همه ی کسانی که با آموزش و پرورش سر و کار دارند، قرارگیرد.

به طور کلی مدیریت کلاس درس عبارت است از رهبری دانش آموزان از طریق طراحی و سازماندهی منابع، فعالیت ها و محیط کلاس، نظارت بر پیشرفت امور و پیش بینی مسائل بالقوه به منظور افزایش اثربخشی و کارایی عملکرد کلاس درس.

در بسیاری از کلاس ها معلمان سعی می کنند دستورالعمل هایی را به عنوان روش مدیریت کلاس به شاگردان بدهند و انتظار دارند که شاگردان نیز از آن خواسته ها و انتظارات پیروی کنند. در برخی از کلاس ها نیز می بینیم که معلم به عنوان راهنما و تسهیل کننده یادگیری عمل می کند. همچنین در بعضی از کلاسها شاهد اشتراک مساعی و همکاری جمعی معلم و شاگردان هستیم. پژوهش ها نشان می دهد که در کلاس های نوع اول ، شاگردان به یادگیری دانش های موجود در کتابها دست می یابند، اما در کلاس های نوع دوم (یعنی کلاس هایی که مبتنی بر روابط متقابل و حرمت جمعی است)، شاگردان قادر می شوند که به ساختن دانش در ذهن خویش دست یابند. از آنجا که فراگیران در مرکز فرایند آموزش - یادگیری قرار

گرفته اند، مجموعه متغیرهای مربوط به فراگیر از مهمترین متغیرها به شمار می آیند (میلر، ۱۳۸۰) و چون فرایند یادگیری و آموزش از طریق تعامل در کلاس درس صورت می گیرد، بایستی عوامل مؤثر بر آن به صورت علمی بررسی شود. از میان این عوامل سبک های یادگیری نقش بسزایی بر فرایند یادگیری داشته و می تواند نقش بسیار موثری بر میزان یادگیری افراد داشته باشند. سبک های یادگیری به عنوان روش هایی هستند که افراد اطلاعات و تجربیات تازه را در ذهن خود سازمان دهی و پرورش می کنند تا بتوانند مشکلات و مسائل پیش روی خود را حل نمایند. بر این اساس محققان استفاده از شیوه های مناسب آموزشی جهت ارائه به افراد با سبک های یادگیری متفاوت را یکی از الزامات اجتناب ناپذیر بهبود یادگیری دانسته و در تحقیقات فراوانی به این مهم اشاره نموده اند چرا که معتقدند تناسب شیوه ی تدریس اساتید با سبک یادگیری دانشجویان باعث تقویت انگیزه ی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان می گردد. بعضی از معلمان دارای آن چنان شیوه رفتار مطبوع و دوستانه ای هستند که اکثریت دانش آموزان به آنان علاقه نشان میدهند و در مقابل، معلمان دیگری نیز به کار تدریس مشغول هستند که به دلیل سختگیری پیش از حد، خشک و جدی بودن، اصرار افراطی در مورد کارآمد بودن دانش آموزان و مجبور ساختن آنان برای رعایت احترام به معلم کلاس، عملاً دانش آموزان را از خود، از کلاس درس و از یادگیری، گریزان میکنند. سبک مدیریت کلاس: شیوه عملکرد هر معلم در مدیریت کلاس است که متاثر از باورها و عقاید معلمین درباره ماهیت رفتار دانش آموزان می باشد. در این مطالعه طبق نظر ولفگانگ و گلیکمن سبک مدیریت کلاس معلمان یک ساختار سه وجهی است که شامل مدیریت افراد، رفتار، آموزش میشود و بر اساس نوع نگرش معلمان سه رویکرد به مدیریت مد نظر است؛ رویکرد مداخله گرا، تعاملی، و غیرمداخله گر. (عالی، ۱۳۸۳). گرچه مدیریت کلاس اولین سطح مدیریت آموزشی محسوب می شود و در شکل دادن به ساختار آموزشی و فرایند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی آموزشی و تربیتی دانش آموزان نقش اساسی دارد با این همه در متون علمی کمتر از سایر سطوح مدیریتی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. طبق تعریف ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۶) مدیریت کلاس کلیه تلاش های معلم برای سرپرستی فعالیتهای کلاسی است که شامل آموزش، تعاملات اجتماعی و رفتار دانش آموزان است. (عالی و امین یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۶)

نظریه پردازانی چون؛ وانگ (۱۹۹۸)، بامریند (۱۹۷۱)، ایمر و اوسیکر (۱۹۹۰)، طبقه بندی هایی از سبک ها ارائه داده اند، در این میان ولفگانگ و گلیکمن، در کتاب خود به نام "حل مسائل انضباطی کلاس" چارچوبی بسیار جامع بر اساس نظریه های مدیریت کلاس و روانشناسی یادگیری ارائه داده اند که در آن سه رویکرد اساسی به مدیریت کلاس مطرح شده است؛ این رویکرد در یک پیوستار کنترل به ترتیب: رویکرد مداخله گرایان، رویکرد تعامل گرایان، و رویکرد غیر مداخله گرایان هستند. در این پیوستار هرچه از مداخله گرایان به سمت غیر مداخله گرایان پیش رویم، میزان کنترل کم و در مقابل مشارکت و مسئولیت دانش آموز در کلاس افزایش می یابد.

رویکرد غیر مداخله گر بر اساس این باور شکل گرفته است که افراد خود تمایل به ابراز و انجام نیازهای خود را دارند، به طوری که معلم حداقل کنترل را در کلاس درس دارد. در سمت مقابل این پیوستار، رویکرد مداخله گر وجود دارد؛ بر این باور که رشد و تعالی افراد تحت تأثیر محیط خارجی قرار دارد. این اعتقاد معلمان را به سمتی هدایت می کند که کنترل کامل را در وضعیت های مختلف کلاس درس بر عهده بگیرند. در میانه ی این دو رویکرد افراطی، رویکرد تعامل گرا وجود دارد که معتقد بر تأثیر متقابل میان فرد و محیط است. در این مورد، کنترل اوضاع در کلاس درس بین معلم و دانش آموزان به اشتراک گذاشته می شود. هر معلم از رویکردهای متفاوتی در کلاس استفاده می کند، اما ممکن است بسته به شرایط کلاس به سبک متفاوتی عمل نماید (دیجیگیک و استوجیلکوویک، ۲۰۱۲). در نتیجه معلم می تواند با شناخت و اجرای مدیریت صحیح، تأثیر و کارایی تدریس را افزایش و مشکلات رفتاری دانش آموزان را کاهش دهد.

یکی از مفاهیم مطرح در روانشناسی تربیتی و شناختی معاصر، یادگیری خودتنظیمی است. خودتنظیمی نقش مهمی در فرایندها و پیامدهای یادگیری و آموزش دارد. لموس (۲۰۰۰) نیز معتقد است راهبردهای خودتنظیمی، راهبردهایی است که دانش آموزان به کار می برند تا شناخت هایشان را تنظیم کنند و همچنین راهبردهای مدیریتی است که آنها برای کنترل یادگیری شان به کار می گیرند، خودتنظیمی به معنای ظرفیت فرد برای تعدیل رفتار متناسب با شرایط و تغییرات محیط

بیرونی و درونی است. او توضیح می دهد که خودتنظیمی شامل توانایی فرد در سازماندهی و خودمدیریتی رفتارهایش جهت رسیدن به اهداف گوناگون یادگیری است. در یادگیری خود تنظیمی، دانش آموز مهارتهایی برای طراحی، کنترل و هدایت یادگیری خود دارد و ضمن دارا بودن تمایل برای یادگیری، قادر است کل فرایند یادگیری را ارزیابی کند. نظریه یادگیری خود تنظیمی، یکی از نظریه هایی است که محققان و روانشناسان تربیتی در قالب آن به مطالعه می پردازند. استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی از جمله عوامل تعیین کننده در موفقیت تحصیلی محسوب می شود و با بررسی آن می توان عملکرد تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی نمود. پیش بینی عملکرد تحصیلی، یکی از موضوعهای محوری مورد علاقه محققان آموزشی است.

از طرف دیگر، یادگیری خودتنظیمی پیامدهای ارزشمندی در فرایند یادگیری - آموزش و حتی موفقیت زندگی دارد و یکی از مفاهیم مطرح در تعلیم و تربیت معاصر است، بنابراین استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، از جمله عوامل تعیین کننده در موفقیت تحصیلی محسوب می شود و با بررسی آن می توان عملکرد تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی نمود. به اعتقاد پنتریچ و دیگران (۱۹۹۰)، ویژگی های راهبردهای یادگیری خود تنظیمی این است که سطح برانگیختگی را بالا برده، میزان درگیری شناختی را افزایش می دهند و نهایتاً عملکرد تحصیلی را بهبود می بخشند. مطالعات انجام شده در زمینه ویژگی های افراد خود تنظیم گر حاکی از آن است که این افراد در زمینه یادگیری خودانگیخته اند؛ اهداف تحصیلی واقع گرایانه ای برای خویش وضع می کنند؛ از راهبردهای کارآمد به منظور دستیابی به اهداف خود استفاده می نمایند و در صورت لزوم راهبردهای مورد استفاده را اصلاح می کنند یا تغییر می دهند. آنان سعی می کنند با استفاده بهینه از منابع در دسترس مانند: زمان، مکان، همسالان، والدین، معلمان و منابع کمکی از قبیل فیلم، ویدئو و رایانه به ساخت، آفرینش و انتخاب محیط هایی دست بزنند که یادگیری را افزایش دهد.

افت تحصیلی دانش آموزان و مشکلاتی که جوانان و نوجوانان جامعه ما دارند نشانگر آن است که آنان از عزت نفس بالا برخوردار نیستند و این موضوع میتواند بر گرفته از این باشد که در اغلب مدارس معلمان سبک مدیریت مناسبی بکار نمی گیرند چرا که آنها تنها به درس دادن قناعت می کنند امروزه ناله بسیاری از دانش آموزان از این منظر بلند شده و همه فریاد می زنند که معلمان ما را درک نمیکنند ما می خواهیم آنان ما را درک کنند همان طور که هستیم ما را شناسایی کنند با همه عیوب و نارسایی هایمان با همه آرمان ها و اندیشه هایمان ما را دریا بند به عبارت دیگر آنها می گویند ما می خواهیم معلمان همه وجود روحی ما را لمس کنند نه این که تنها به درس دادن قناعت کنند.

مدیریت مؤثر در کلاس بخش مهمی از فرایند تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد و بر کل نظام یاددهی و یادگیری تأثیری گذارد و روزه آموختن را تسهیل می نماید. مدیریت کلاس درس از روشها و فنون بسیار دقیق و حساس برخوردار است چنانچه به موقع و با درایت و نکته سنجی لازم بکار گرفته شود به فراگیران کمک می کند تا بدون درگیر شدن با مشکلات ناشی از سطوح پایین مدیریت به اجرای بهتر فعالیت های خویش پردازد و به نظام کلی مدرسه کمک می کند تا با تحلیل مسائل مربوط به عدم یادگیری و مشکلات کلاس داری و مسائل رفتاری و انضباطی دانش آموزان محیط سالمتر و مناسبتری را برای فرایند آموزش و پرورش فراهم سازند و به اولیاء دانش آموزان کمک می کند تا بدون تشویش و درگیر شدن در مسائل مربوط به کلاس شاهد موفقیت و آرامش و پیشرفت فرزندان خود باشند مدیریت کلاس به روشهایی مربوط می شود که معلمان با کمک آنها رفتار دانش آموزان را بهبود می بخشند و راه را برای یادگیری مطلوب دانش آموزان هموار می کنند. مدیریت کلاس درس به مفهوم ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است و بر این اساس می توان گفت که مهارتهای مدیریت کلاس زیربنای کل موفقیت در تدریس است. این امر در کلاسهای درس مدارس ایران که مملو از دانش آموزان است، از اهمیت خاصی برخوردار است. برای اعمال مدیریت بر کلاس درس و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری، خود معلم باید فردی کارا باشد تا از مهارتهای مدیریت کلاس درس بهره بگیرد و لازم است که معلمان با شیوه های مدیریت کلاس و مهارتهای ارتباط با دانش آموز آشنا بوده، برحسب موقعیت و فضای کلاس آن را به نحو مطلوب به کار ببندند. با توجه به گستردگی مفهوم مدیریت، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است که می توان گفت از لحاظ تأکید بر روی جنبه های مختلف کلاس متفاوت هستند.

فرضیه ها

- ۱- بین سبکهای غیر مداخله گرا و خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد
- ۲- بین سبکهای مدیریت تعامل گرا و خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد
- ۳- بین سبکهای مداخله گرا و خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد

۲- روش تحقیق:

جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از کلیه معلمان و دانش آموزان مقطع راهنمایی مدارس پسرانه و دخترانه شهر ارومیه منطقه نازلو که در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ مشغول به تدریس و تحصیل بوده اند. از این تعداد افراد تعداد ۵۰ نفر معلم زن و ۵۰ نفر معلم مرد انتخاب شدند با استفاده از پرسشنامه های زیر داده ها جمع آوری شدند و برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است

ابزارهای گردآوری اطلاعات: ابزارهای جمع آوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بودند از:

الف- پرسش نامه نگرش و باورهای معلمان در مورد مدیریت کلاس: این پرسش نامه را مارتین و بالدوین (۱۹۹۸) ساخته و دارای ۲۶ گویه است و شیوه ی پاسخدهی به گویه های آن بر اساس مقیاس چهار درجهای لیکرت به صورت هرگز (۱)، تا اندازه ای (۲) معمولاً (۳) و همیشه (۴) است. نمره ی فرد در این پرسش نامه از ۲۶ تا ۱۰۴ است. این پرسش نامه سه زیر مقیاس سبکهای مدیریت کلاس مداخله گر، تعامل گرا، غیرمداخله گر را میسنجد. در مطالعه مارتین و بالدوین (۱۹۹۸) ضریب اعتبار و پایایی این پرسش نامه مناسب ارزیابی شده است. در پژوهش عالی و امین یزدی (۱۳۸۷) در پژوهشی در استفاده از این پرسش نامه نشان دادند که ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات این پرسش نامه برابر با ۰/۶۸ بوده است و همبستگی ابعاد آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

و به منظور سنجش پیشرفت تحصیلی از میانگین نمره دروس دانش آموزان در امتحانات پایانی خرداد استفاده شد.

ب- پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد: پرسشنامه خودتنظیمی در نادگیری دانشآموزان نک پرسشنامه ۱۴ سوالی است که به وسیله بوفارد (۱۹۹۵) تدوین شده است در این آزمون پاسخ به صورت نک مقیاس ۵ درجهای از نوع لیکرت تهیه شده است. این آزمون، دو مولفه شناختی و فراشناختی را اندازه میگیرد. نمره بالاتر در هر مولفه نشانگر گرانش فرد به کاربرد آن مولفه است. محمودی (۱۳۸۴)، جبلی (۱۳۸۴) و کدنور (۱۳۸۲) ضریب اعتبار این آزمون به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۷، ۰/۷۱ گزارش کرده است. برای تعیین روانی سازه، نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ضریب همبستگی نیمه تفکیکی بین سؤالات مناسب و این آزمون قادر است ۰/۵۲ واریانس خودتنظیمی را تبیین کند و روایی سازه آن نیز در حد مطلوبی میباشد در پژوهش حاضر ضرایب پایانی پرسشنامه خود تنظیمی به روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر با ۰/۷۵ و ۰/۷۷ که بیانگر ضرایب پایانی قابل قبول پرسشنامه یاد شده می باشد.

۳- یافته ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است

جدول ۱: ضریب همبستگی بین بهره مندی از سبک مدیریت کلاس تعامل گرابا خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

متغیر	همبستگی پیرسون	R ²	حجم نمونه	سطح معناداری
مدیریت غیر مداخله گر	۰/۲۹۵	۰/۰۸۷	۱۰۰	۰/۰۰۸
خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی				
مدیریت تعامل گرا	۰/۵۵۲	۰/۳۰۴	۱۰۰	۰/۰۰
خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی				
مدیریت مداخله گر	۰/۱۴۶	۰/۰۲۱	۱۰۰	۰/۰۹۶
خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی				

جدول ۲: نتایج رگرسیون چند متغیری با روش ورود برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از طریق سبکهای مدیریت کلاس معلمان (مداخله گر، غیرمداخله گر، تعامل گرا)

متغیرهای پیشین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		P	T
	B	SE	Beta	استاندارد		
مداخله گر	۰/۰۳۷	۰/۰۲۲	۰/۰۸۸	۲/۱۴۴	۰/۰۲۹	
غیرمداخله گر	-۰/۰۱۱	۰/۰۳۱	-۰/۰۱۴	-۰/۳۸۲	۰/۷۰۵	
تعامل گرا	۰/۰۵۵	۰/۰۲۱	۰/۱۱۲	۲/۸۱۵	۰/۰۰۵	

جدول ۳: بررسی تفاوت بین سبک مدیریتی معلمان زن و مرد

سبک مدیریت	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	T	سطح معناداری
							سطح معناداری
	مرد	۵۰	۱۰۳/۹۰	۱۴/۳۷	۲۳۶	۳/۵۶	۰/۰۰۰
	زن	۵۰	۱۱۳/۷۷	۲۴/۹۰			

۴- نتیجه گیری

نتایج حاصل نشان داد که بین سبک مدیریت تعامل گرا و مداخله گرا و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به این معنا که هرچه نمرات معلمان در پرسشنامه بالا می رود تعاملی گرا تر میشوند میزان معدل درسی دانش آموزان نیز بالاتر می رود. به طور کلی میتوان چنین استنباط کرد که معلمان که تعاملی تراند و رابطه بهتری با دانش

آموزان برقرار میکنند، به مشکلات آنها رسیدگی میکنند، دوستانه و صمیمانه برخورد نموده و دانش آموزان علاوه بر آنکه از حضور در کلاس و نحوه تدریس دلهره ندارند درس را بهتر فرا گرفته و توانایی بیشتری در کسب نمرات بالا از خود نشان میدهند. در تحقیق مشابهی کوبان (۱۹۸۴) به این نتیجه رسید که در کلاسهای شاگردمحور معلم کمتر سخن میگوید و بیشتر از شیوه گفتگو استفاده میکند، تدریس معمولاً انفرادی یا در گروههای کوچک انجام میگیرد. دانش آموزان در انتخاب و سازماندهی تدریس و مقررات اداره کلاس حق رأی دارند و نهایت موفقیت بهتری خواهند داشت. ریچارداندرسون (۱۹۹۵) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که در وضعیت کلاسی شاگردمدار روحیه دانش آموزان بالاتر است. میلر (۲۰۰۱) هم در بررسی محیطهای کلاسی سازنده نتیجه گیری کرده است که تعاملی بودن معلم برای یادگیری مساعدتر است. والبرگ و توماس (۱۹۷۲) دریافته اند که تعلیم و تربیتی که پاسخگوی نیاز شاگردان و یادگیری فعالانه آنان باشد تعلیم و تربیت بازنامیده میشود. در این نوع تعلیم و تربیت وجود صمیمیت باعث یادگیری فعال و بهتر خواهد شد. غلامی (۱۳۷۸) نیز به این نتیجه رسید که پیشرفت دانش آموزان در کلاس درس معلمان شاگردمحور بیشتر از پیشرفت آنها در کلاسهای معلم محور است همچنین نتایج نشان داد که بین سبک مدیریت کلاس تعامل گرا و مداخله گر معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت وجود دارد. اما بین سبک مدیریت غیرمداخله گر با پیشرفت تحصیلی رابطه ی معنی دار وجود ندارد. براساس نتایج رگرسیون سبکهای مدیریت کلاس معلمان (مداخله گر، غیرمداخله گر و تعامل گرا) تقریباً ۸ درصد واریانس نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تبیین کرده و سبک مدیریت کلاس تعاملگرا و سبک مدیریت کلاس مداخله گر به صورت مثبت قویترین متغیرها برای پیش بینی نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بوده است.

از آنجا که دیجیک و استوجیلیکویک (۲۰۱۱) نشان دادند که زمانی که معلمان سبک مدیریت کلاسی تعاملگرا را به کار میبرند، دانش آموزان پیشرفت بالاتری دارند و زمانی که معلمان مداخله گر هستند پیشرفت پایینی دارند این نتیجه در راستای آن جنبه از یافته های دیجیک و استوجیلیکویک (۲۰۱۱) قرار دارد که نشان دادند زمانی که معلمان سبک مدیریت کلاس تعاملگرا را به کار می برند، دانش آموزان پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند. همچنین این یافته میتواند با یافته های کانترو همکاران (۲۰۰۷) همخوان باشد که نشان دادند ادراک راهبردهای مدیریت کلاس فردی میزان علاقه ی دانش آموزان را پیش بینی نموده است

در تبیین این یافته میتوان گفت چون الگوهای تعاملی در مدیریت کلاس همانگونه که از نام آن مشخص است، بر پایه ی این ایده ی اساسی قرار دارد که کنترل رفتار دانش آموزان مشترک معلمان و فراگیران است و تنها نمی توان مسئولیت آن را به معلمان واگذار کرد (لوین و نولان، به نقل از فرخ نژاد، ۱۳۸۰؛ نقل از سرمدی و سیف، ۱۳۸۹)، بنابراین معلمان برخوردار از این سبک مدیریت کلاس نهایت تعامل را با دانشآموزان داشته و سعی در ایجاد تعاملات گروهی بین دانش آموزان با همدیگر دارند در تبیین این یافته میتوان گفت، طرفداران نظریه ی تعاملگرا در مدیریت کلاس بسیاری از عقاید انسانی یا روان شناختی دانش آموز- محور را قبول دارند، اما معتقدند ماهیت گروهی کلاس مستلزم این است که معلم نیازهای گروه را به عنوان یک کل بر نیازهای فردی دانش آموزان ترجیح دهد و از راهبردهای گروهی یاددهی- یادگیری به جای راهبردهای فردی استفاده (کندفرخ نژاد، ۱۳۸۰؛ نقل از سرمدی و سیف، ۱۳۸۹)، بنابراین معلمان برخوردار از سبک مدیریت کلاس تعاملگرا برای تدریس از راهبردهای گروهی یاددهی-یادگیری استفاده میکنند و این امر موجب پیشرفت درسی بالاتر در دانش آموزان می شود. به عبارت دیگر، سبک مدیریت کلاس تعاملگرا، تعامل دانش آموزان با معلم و تعامل دانش آموزان با همکلاسیها را بیشتر میکند

در این پژوهش بررسی تفاوت بین سبک مدیریت معلمان زن و مرد بود. نتیجه بیان میدارد که بین معلمان زن و مرد در سبک مدیریت کلاس درس تفاوت معناداری وجود دارد. در حالی که میانگین زنان از مردان بالاتر است. میتوان چنین استنباط کرد که معلمان زن نسبت به معلمان مرد از سبک تعامل گراتر در ارتباط با دانش آموزان استفاده میکنند. به طور کلی معلمان زن در رهبری و ایجاد انگیزش توجه به فعالیتهای فردی شاگردان، تشویق فعالیتهای مبتکرانه، ایجاد روابط دوستانه، حساس بودن به نیاز شاگردان، تشویق و تمجید از دانش آموزان به جای انتقاد و سرزنشهای بیمورد، موفقتر هستند البته با توجه به این که

دبیران زن عاطفیتز هستند در برخورد با شاگردان از صبر و حوصله بیشتری برخوردارند در این خصوص سید عباسزاده (۱۳۸۹) و بیابانگرد (۱۳۸۸) مشترکاً به این نتیجه رسیده‌اند که معلمان مرد نسبت به معلمان زن بیشتر از روش مدیریت مستقیم که حالت آمرانه دارد در کلاس درس استفاده می‌کنند. همتی نژاد (۱۳۸۹) نیز به این نتیجه رسید که سبک رهبری زنان نسبت به مردان تعاملی تر است. غلامی نیز در نتیجه ای مشابه بیان میدارد که معلمان زن ارتباط بهتری با دانش آموزان خود برقرار میکنند. همچنین بین خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری به دست آمد. این یافته هماهنگ با نتایج مطالعه های لاکس و هونت (۲۰۰۴)، بندورا (۲۰۰۵)، راسموسن و همکاران (۲۰۰۶)، رنان و دسی (۲۰۰۶) میباشد. همچنین دانش آموزان خود تنظیم گر، توانایی را به خود نسبت داده و شکست اولیه را به عدم کوشش کافی نسبت میدهند، تلاش و استقامت خود را بیشتر میکنند؛ در نهایت، موفقیت، و پیشرفت ناشی از آن را برای آنها به دنبال دارد بالا بودن سطح نمرات را به همراه دارد و افرادی که خودکنترلی مناسبی دارند در اغلب کارها خوب عمل کرده و تلاش مناسبی از خود نشان می دهند و برحواسپرتی ها غلبه می کنند دانش آموزانی که از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده میکنند، در هنگام تدریس معلم یا هنگام مطالعه سعی میکنند با معنادار کردن اطلاعات، ایجاد ارتباط منطقی با اطلاعات قبل، کنترل چگونگی این فرایند و ایجاد یادگیری مناسب، مطالب را یاد بگیرند و عملکرد تحصیلی خود را بالا ببرند هرچه عملکرد تحصیلی دانش آموز بالاتر رود احساس رضایت بیشتری از خود داشته و پیشرفت تحصیلی بیشتری بدنبال خواهد داشت. خودتنظیمی توانایی کنترل تکانه ها، حرکات و اعمال افراد را دارد به گونه‌ای که شخص را از انجام کاری متوقف کند و یا اینکه بالعکس او را به انجام فعالیتی وا می دارد. همچنین خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی مرتبط است بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل داده ها، فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه میان سبک مدیریت کلاس با یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی تایید گردید. هم چنین نتایج نشان می دهند، رابطه میان این متغیرها معکوس می باشد، بدین معنی که هرچه نمرات سبک مدیریت کلاس کاهش می یابد (یعنی از سبک مداخله گر به سمت سبک تعاملی پیش می رود)، نمرات یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان افزایش می یابد. در واقع هرچه سبک مدیریت تعاملی تر باشد یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بیشتر خواهد بود. هم چنین طبق اطلاعات به دست آمده، بین سبک مدیریت کلاس اساتید زن و مرد و هم چنین یادگیری خودتنظیمی در میان دانش آموزان زن و مرد تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

۵- منابع

۱. اسمیت، کولین، جی ولاست، روبرت، (۱۳۷۵) مدیریت مؤثر در کلاس درس ترجمه زهرا صباغیان، تهران.
۲. بیابان گرد، اسماعیل، (۱۳۸۸). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
۳. پوپ، الیس (۱۳۸۳). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان، ترجمه پریسا تجلی، تهران، رشد، چاپ دوم
۴. تابر، روبرت. تی. (۱۳۸۰) الفبای مدیریت کلاس درس. تهران: انتشارات مدرسه.
۵. تاج الدین، ضیاء، (۱۳۸۳)، فنون و مدیریت کلاس درس، رشد تکنولوژی آموزشی ماهانه آموزش اطلاع رسانی شماره ۷، ۴۸-۴۴
۶. جبلی. م (۱۳۸۴) رابطه سبک مقابله با خودتنظیمی در یادگیری و مقایسه آن در دانشآموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی در، مناطق ۲ و ۷. پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد تهران - مرکز.
۷. خلیلی شورینی، سهراب، تئوریهای رهبری سازمانی (تهران قائم ۱۳۷۳) صفحات ۴۶ و ۳۴
۸. دیناروند، حسن. (۱۳۸۳)، نیمرخ مدیریت کلاس شما چیست؟ رشد تکنولوژی آموزشی ماهانه، آموزش اطلاع رسانی شماره ۱، مهرماه ۱۳۸۳
۹. دیویس، ایور، کی. (۱۳۷۳) مدیریت یادگیری، ترجمه داریوش تیموری و محمد حسن امیر تیموری، شیراز: راهگشا
۱۰. راگ، ادوارد کنراد، (۱۳۸۲) مدیریت کلاس در دبیرستان. ترجمه علیرضا کیانمنش، تهران. نشر رشد.

۱۱. سرچمی، حسینی، (۱۳۸۳) رابطه سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری قزوین، مجله ی ۶۴-۷۰، دانشگاه علوم پزشکی قزوین؛ شماره ۳.
۱۲. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، اله، (۱۳۸۸) روشهای تحقیق در علوم رفتاری نشر آگاه چاپ ۱۷
۱۳. سیف، علی اکبر، (۱۳۷۷). روان شناسی پژوهشی یادگیری و آموزش، تهران: انتشارات آگاه
۱۴. صافی، احمد، (۱۳۷۹) سازمان و اداره در مدارس، تهران، نشر رشد.
۱۵. عالی، آمنه و امین یزدی، سید امیر، (۱۳۸۴). تاثیر ویژگیهای معلم بر سبک مدیریت کلاس، فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۳.
۱۶. عالی، آمنه (۱۳۸۳) « تاثیر سبکهای مدیریت کلاس بر رشد مهارتهای فراشناختی دانش آموزان، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد
۱۷. علاقه بند، علی، (۱۳۷۵) مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: بعثت.
۱۸. غلامی، رحیم (۱۳۷۹)، بررسی سبکهای مدیریت کلاس از دیدگاه معلمان و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تربیت معلم
۱۹. غلامی، رحیم، (۱۳۷۹) بررسی سبکهای مدیریت کلاس از دیدگاه معلمان و رابطه ی آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی شهر ستان خرم آباد. دانشگاه تربیت معلم.
۲۰. گیج، کیت، ل و برلایند ریوید. سی (۱۳۷۴). روانشناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا خوی نژاد و دیگران، انتشارات پاژ
۲۱. ماسن، پاول هنری و همکاران، (۱۳۸۰)، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، کتاب ماد
۲۲. ماسن، پاول، (۱۳۷۸) رشد و شخصیت کودک، ترجمه م. پاسایی.
۲۳. میرکمالی، سید محمد، (۱۳۷۹) رهبری و مدیریت آموزشی، تهران، سیطرون.
۲۴. الوانی، سید مهدی، (۱۳۷۱) مدیریت عمومی تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۲۵. وایلز، کیمبل. (۱۳۷۶) مدیریت و رهبری آموزشی. ترجمه محمدعلی طوسی، تهران، نشر مدیریت دولتی

26. Camgelosi, J. S (2004) . Classroom management strategies Fifth edition. USA: Wiley
27. Daniel , L (1980) . classroom management Chicago univesiry of chicaho
28. Darling , H. L and Bransford, j (2005) . Preparing Teachers for a changing wrld : what teachers shold learn and be Able todo . USA:jossey BAS
29. Edwards, C.H (2004) . Classoom disci pline and management
30. Emmer , E & Stough , L.M (2001). classroom mangementi A critical part of educational psychology with implications for teacher education , Journal of Educational psy chologist 36(2), 103 – 112
31. Germine, Y (2002). An Investigation into the Influences of Teachers classroom management Beliefs and practices on classroom procedures
32. Gibson, Harry. w . (1994) . Teaching Strategies , forth edition. USA:Heath
33. Gultekina, m, (2010) Teachers and students' views on the teaching and learning process of the social studies course. Procedia Social and Behavioral Sciences 2(2):2744-2749.
34. Martin. K. Naney and zening yin (2004). construct validation of the Attitude & Beliefs on classroom management control inventory. Journal of Classroom Interaction. 33
35. Miller, D., Telljohann, S. , Symons, C. (1996). Health education in the elementary and middle school level
36. Mulins , Lauric, J (1991). Management and organizational Behavior , London pitman
37. Orlich, Donald. C and Harder, Robert. j and callahan, Richard. C and 37- Kauchak, Donald.

38. Orth editino .ASA: Wiley 3. Dembo , M . (1994) . Applying educational psychology, fifth edition.USA ; Longman
39. Pintrich,p.r&De-Groot .E.V(2007),Motivation and learning strategies interations with achievement ,development review,6,25-56
40. Sanford , j , Emmer, E,& clements , B (1983). Inproving classroom management , Journalof Eaducational Leadership , 4 (7) , 56 – 60
41. Scrivener .J (1994). Learning Teaching, oxford : Macmillan Heinemann
42. Slaski M., Cartwright S. Health, Personality and Emotional Intelligence: An Exploratory Study of Retail Managers. (2002)Stress and Health, 18(2): 63-68.
43. Thomas J. Londers and Judith G.Myers, (1997) .Essential of school Management west Washington, saunders Co,. P.389
44. Wang ,m, hartel , G , Genera. D and Walberg , H (1994). what helps students learn Education leadership
45. Wragg, E.C, (1993). primary Teaching skills London, Routledge
46. Wragg, E.C, (1993).Class Management, London Routledge.